

ای گروه‌های مقاومت! زمان آن رسیده که به همهٔ خائنان پشت کرده و دست از مصلحت اندیشی بردارید و بدانید که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارید!

(ترجمه)

از همان روزهای نخست عملیات «طوفان الاقصی» روشن بود که همگی به مردم غزه پشت کرده اند. بلکه برخی از آنان نه تنها به سکوت شرم‌آور و ننگین خود بسنده نکردند، بلکه به سرعت به همدستی، توطئه‌چینی و حتی مشارکت در جنگ پرداختند، هم‌چون حکام مصر، قطر، اردن، امارات و ترکیه. گویا می‌خواهند این لحظه را برای خدمت به اربابان خود غنیمت بشمارند تا قضیهٔ فلسطین را خاتمه داده، هر فرد پاک و مجاهد گرامی را از میان بردارند و هر نشانه‌ای از عزت و کرامت را که خیانت و توطئه‌های شان را آشکار می‌کند، محو کنند. آنان با قضیهٔ فلسطین تنها براساس منافع اربابان شان برخورد می‌کنند.

از این رو، هیچ شرمی ندارند که با چشم‌های شان ببینند و با گوش‌های شان بشنوند آنچه در غزه از نابودی، نسل‌کشی و قتل‌عام می‌گذرد، بی‌آنکه کوچک‌ترین حرکتی از خود نشان دهند. آنان ارتش‌ها را از حرکت باز می‌دارند و مانع از انجام هر اقدامی می‌شوند که بتواند این ارتش‌ها را برای انجام مکلفیت شان تحریک کند.

آنان با دستور دولت‌های کفر نقش واسطه میان مردم فلسطین و یهود را بازی می‌کنند، همان‌گونه که با زبان خود این امر را تصدیق می‌کنند. در این واسطه‌گری، به یهود نزدیک‌تر هستند؛ چراکه مردم فلسطین را بر سر خون‌ها و معیشت شان معامله می‌کنند تا آنان را مجبور به دست‌کشیدن از سرزمین مقدس و مسجد الاقصی به نفع یهود کنند.

در چارچوب این فشارها و معامله‌ها، گفت‌وگوهایی در قاهره میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دیگر گروه‌ها به بهانه مدیریت غزه برگزار می‌شود. این گفت‌وگوها چیزی جز اجرای طرح امریکا برای حل قضیهٔ فلسطین نیست و هدف آن صرفاً گمراه کردن افکار عمومی و رأی عام، کاهش خشم مسلمانان و تخلیهٔ احساسات همبستگی با برادران فلسطینی است. در این میان، آنان تلاش می‌کنند با ادعای کمک‌های انسانی وانمود کنند که مردم غزه فقط به غذا و دارو نیاز دارند. حتی اگر چیزی ارائه کنند، تنها به میزان اجازهٔ یهود خواهد بود. الله سبحانه و تعالی نابودشان کند، چگونه از حقیقت منحرف می‌شوند!

از زمان اعلام محور مقاومت و بلند کردن شعار «وحدت جبهه‌ها»، این محور سال‌ها خود را بزرگ جلوه می‌داد، تا جایی که برخی گمان کردند که اوضاع را به خوبی تنظیم کرده و برای حمله به رژیم یهود و نابودی کامل آن آماده شده است، به گونه‌ای که اثری از آن رژیم باقی نماند و کاملاً به فراموشی سپرده شود. اما این محور در نخستین آزمون خود فروپاشید و ناتوانی آن در نخستین محک واقعی پس از عملیات «طوفان الاقصی» آشکار شد، جایی که غزه را تنها گذاشت تا با غرور و سرکشی رژیم یهود و ماشین جنگی قاتل و ویران‌گر آن، که با حمایت مطلق و کامل غرب کافر همراه بود، روبه‌رو شود.

حتی آن تحرکات و عملیات‌هایی که توسط طرف‌های مختلف این محور انجام شد -چه حزب ایران در لبنان، چه حوثی‌ها در یمن و چه گروه‌های عراقی در طول ۱۴ ماه جنگ علیه غزه- چیزی جز عملیات‌های حاشیه‌ای برای مشغول کردن رژیم یهود نبود. این عملیات‌ها هرگز به هدف سرنوشت‌ساز برای نابودی رژیم یهود و آزادسازی فلسطین تبدیل نشدند. ضربات و اهداف این حملات به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده بود که از حد ایجاد فشار بر یهود فراتر نرود و آن‌ها را مجبور به ماندن در چارچوب نقشهٔ امریکا و دیدگاهش برای منطقه کند؛ همان امریکایی که از روز اول جنگ، رهبری عملیات نسل‌کشی در غزه را بر عهده داشت.

این عملیات‌های گروه‌ها، چیزی جز فریب‌دادن مردم مشتاق و آرزومند نصرت سرزمین مبارک و مشتاق جهاد و مبارزه با رژیم یهود نیست. اگر این‌گونه نیست، چرا مبارزه با یهود تنها به گروه‌ها و سازمان‌ها محدود می‌شود، در حالی که ارتش‌های مسلمانان وجود دارند؟!

پس از امضای توافقنامه‌ای برای تضمین حفاظت و امنیت رژیم یهود در لبنان، میان حزب ایران و رژیم یهود به دستور امریکا و با رضایت ایران، دیگر جای هیچ شکی باقی نمانده که محور مقاومت چیزی جز یک دروغ نبوده است و «وحدت جبهه‌ها» سرابی بیش نبود که ساده‌لوحان آن را هم چون آبی تصور کردند و در نهایت به سرخوردگی و یأس بزرگی دچار شدند. اما چرا باید تعجب کرد؟! این نتیجه طبیعی تکیه بر رژیم‌های دست‌نشانده و وابستگی به آن‌هاست، چه آن‌هایی که به عادی‌سازی روابط پرداخته‌اند و چه کسانی که مدعی ایستادگی و مقاومت هستند.

این همان موضوعی است که همواره درباره آن هشدار داده‌ایم و به هر فرد مخلص‌ی توصیه کرده‌ایم که از این رژیم‌ها، که ساخته استعمار و ابزار آن برای بازی با سرنوشت ملت‌های ما هستند، دوری کند. این نظام‌ها تنها نگهبان وفادار منافع استعمار در سرزمین‌های ما هستند.

آنچه در غزه رخ داده و هم‌چنان در حال وقوع است، بدون شک تلاشی برای ریشه‌کن کردن جهاد و نابودی مجاهدان به تمامی معناست و این موضوع به هیچ فرد یا گروه خاصی محدود نمی‌شود. با وجود شدت فاجعه و بزرگی جنایت، تاکنون هیچ اقدام جدی و متناسب با ایتار و فداکاری‌های عظیمی که مردم غزه نشان داده‌اند، صورت نگرفته است. در برابر این جنایات، آنچه به‌عنوان فضائل و گروه‌های مقاومت شناخته می‌شوند، هم‌چنان با همان شیوه‌ها و تفکرات گذشته عمل می‌کنند، گویی هدف‌گیری، ترورها، نابودی‌ها، کشتارها و ویرانی گسترده در فلسطین و علیه مردمش هیچ تغییری در عملکرد آنان ایجاد نکرده است. آن‌ها هنوز روابط خود را با این رژیم‌های جنایت‌کار و پیامدهای فاجعه‌بار آن بر فلسطین و مردمش بازنگری نکرده‌اند.

این روابط، ایتارها، جهاد و خون مردم فلسطین را در خدمت اجرای نقشه‌های استعمارگران کافر قرار داده و خیانت‌های شان را به‌عنوان پیروزی جلوه می‌دهند، همان رویه‌ای که در تمام طول قضیه فلسطین تکرار شده است.

اکنون زمان آن فرا رسیده که این گروه‌ها روابط خود را با این رژیم‌های دست‌نشانده قطع کنند و از سفیدنمایی چهره آن‌ها در برابر امت بزرگوار ما دست بردارند. هم‌چنین باید دریابند که این روابط عامل اصلی تخدیر و بی‌حسی امت و نیروهای آن است، در حالی که خون مردم جاری است، اجسادشان تکه‌تکه شده، مساجد بر سر نمازگزاران ویران می‌شود و خانه‌ها بر سر ساکنان شان فرو می‌ریزد، بدون آنکه کسی برای کمک برخیزد و ماشین جنایت و کشتار را متوقف کند.

این وضعیت خذلان و پشت خالی کردن که در فلسطین شاهد آن هستیم، نتیجه این وابستگی شرم‌آور به این رژیم‌ها و عدم خطاب به امت با زبانی است که عقیده و عزم آنان را برانگیزد و آن‌ها را به قیام برای رهایی از این رژیم‌های ننگین و سرکوبگر سوق دهد.

ای گروه‌های مقاومت، اکنون زمان آن فرا رسیده که به همه مزدوران و خائنان پشت کنید، چرا که همه آن‌ها، بدون استثنا، شما و مردم فلسطین را با یک تبر خیانت هدف قرار داده‌اند. در این میان، تفاوتی میان کسانی که روابط خود را با دشمن عادی کرده‌اند و کسانی که مدعی مقاومت هستند، وجود ندارد. اکنون وقت آن است که میز بازی را بر سر همه واژگون کنید، زیرا دیگر چیزی برای از دست دادن ندارید. هم‌چنین وقت آن است که حقیقت حکام این سرزمین‌ها را به امت خود بگویید و از زبان مصلحت و منافع شخصی که تاکنون استفاده می‌کردید، دست بردارید، چرا که هیچ خیری از این رژیم‌ها انتظار نمی‌رود و خون‌های ریخته‌شده ارزشمندتر و گران‌بهارتر از هر مصلحتی هستند.

این سخن به هیچ‌وجه به معنای این نیست که مسئولیت بر دوش گروه‌های مقاومت است، بلکه مسئولیت همواره بر عهده امت اسلامی بوده و هست. این امت اسلامی است که مکلفیت دارد به حرکت درآید و تکالیف خود را در قبال فلسطین و مردم آن به انجام برساند. چرا که قضیه فلسطین بزرگ‌تر از آن است که گروه‌ها و سازمان‌ها، حتی در صورت اتحاد، بتوانند به‌تهایی آن را حل کنند.

بر امت اسلامی واجب است که از این موانع عبور کند و دریابد که مسیر آزادسازی فلسطین از آزادسازی خود امت از حکام خائن و مزدور آغاز می‌شود. امت باید کلمه خود را یکپارچه کند و صفوف خود در قالب یک نظام واحد، یعنی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت، وحدت

بخشد. تنها با این نظام است که رژیم یهود زیر پا گذاشته می‌شود و ریشه استعمارگران کافر از سرزمین‌های ما کنده خواهد شد. در غیر این صورت، رنج‌ها و مصیبت‌های امت ادامه خواهد یافت و فاجعه فلسطین و مردم آن نیز همچنان باقی خواهد ماند، تا زمانی که این رژیم‌های خیانت‌کار و مزدور پابرجا باشند.

برگرفته از شماره 525 جریده الرایه

نویسنده: استاد خالد سعید - عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر ولایة فلسطین

مترجم: محمد مزمل